



علوم تجربی

پایه نهم

(دوره اول متوسطه)





علوم تجربی

پایه نهم

(دوره اول متوسطه)

www.ketab.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه: عبدالعالی، علی، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور: علوم نهم دانوین
/ مؤلف علی عبدالعالی؛ ویراستار حامد خادمی
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه علمی رزمندگان، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری: ۱۶۳ ص؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک: ۷-۳۱۲۰۹۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۱۸۶۹۹

مدیر مسئول: مرتضی فاطمی نژاد

طراح و سرپرست مؤلفین: علی عبدالعالی

گروه ایده‌پردازی و خلاقیت: علی عبدالعالی، حامد خادمی، مصطفی امیرحائری
کمیل سوهانی، حمید فدایی، امیرحسین اخوین
خشایار هنرآمیز فهیم، سیدحسام‌الدین نوربخش

ناشر: مؤسسه علمی آموزشی رزمندگان اسلام

مدیریت پروژه: حامد خادمی، سیدحسام‌الدین نوربخش

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۵۰۰

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - روبه‌روی سینما بهمن
ابتدای خیابان منبری جاوید - پلاک ۷۸

تلفن: ۵۸۷۹۵-۶۶۴۶۸۰۵۸
قیمت: ۲۴۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی این اثر برای مؤسسه رزمندگان محفوظ و هرگونه اقتباس، تلخیص و تکثیر بدون درج مأخذ و کسب مجوز ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

پیش‌گفتار مؤلف

گل و لای شدند و دست چپش
چنان ضربه خورد که از درد به خودش
می‌پیچید.

هم‌چنان که کنار جاده نشسته بود: نور
بالای یک ماشین غول‌پیکر چشمانش را زد.
نزدیک شد: لاستیک‌های بزرگ و پهنش در
همان چاله افتاد و تمام هیكلش را گلی‌تر از قبل
کرد و در حالی که صدای قهقهه از داخل ماشین می‌آمد،
عبور کرد و رفت.

حالا او بدون پای راست و با دست چپ پر از درد و
موتوری که در گل و لای خاموش شده و صورت و
چشمی پر از گل و باران و اشک، گوشه‌ی جاده‌ی تاریک
پر از دست‌انداز نشسته بود و نمی‌دانست چه باید بکند...
ناگهان صدای آشنای دوستان همیشه همراهش، جان
خسته‌اش را گرم کرد و نور وجودشان جاده‌ی تاریک را
روشن...

یکی‌شان دست او شد، دیگری پایش و آن یکی فروغ
چشم‌هایش...

وسایل آزمایش را یکی‌یکی از خورجین درآوردند و به
دست او دادند و چنان همه با هم «بسم الله» گفتند که
معلم لبریز از شور و شوق و انگیزه شد و شروع کرد به
درس دادن:

«ببینید بچه‌ها! وقتی KI یا همون پتاسیم یدید رو
می‌ریزیم روی H_2O یا همون آب اکسیژنه، سرعت
واکنش به مراتب بالاتر می‌ره؛ این جا KI نقش کاتالیزگر
رو بازی می‌کنه... خب بجنبید: با هم می‌شم‌رییم: یک،
دو، سه... هشت، نه، ده!» تمام عرض جاده را کف رنگی
پر کرده است. صدای جیغ و هورا و شادی بچه‌ها، درد
دستش را خفیف می‌کند.

صدای زوزه‌ی باد از درزهای پنجره‌ی بزرگ و چوبی
اتاقش عبور می‌کرد. پرده را کنار زد؛ رعدوبرق و تگرگ
و باد شدید دست به دست هم داده بودند تا او در خانه
بماند؛ اما عزمش را جزم کرده بود که برود؛ بارانی یادگاری
از معلم محبوبش را پوشید؛ این طرف و آن طرف خانه را
گشت تا پای راستش را پیدا کند؛ اما گویی زمین دهن باز
کرده بود و پا را بلعیده بود!

دخترانش التماس می‌کردند که در چنین طوفانی بدون
پا بیرون نرود، اما پدر تصمیمش را گرفته بود؛ اهل خانه
را بوسید و تمام حجم خورجین موتورش را پر از وسایل
آزمایش کرد و بعد از ده بیست بار هندل زدن با پای
چپش، بالاخره موتورش روشن شد و به راه افتاد.

تگرگ با شدت سینوسی با اشک‌های مداومش ترکیب
می‌شد و در حالی که هر از گاهی چرخ‌های موتورش
در چاله‌ای می‌افتادند، به یاد معلم محبوبش، این شعر
شاهکار دیوان شمس مولانا را فریاد می‌زد:

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک‌روحان عاشق پرنده‌تر ز مرغان هوایی
چیزی به روستای مقصدش نمانده بود که ناگهان موتور
در چاله‌ای افتاد و چپ کرد. صورت و چشمانش پر از

۴ شیمی

مواد و نقش آنها در زندگی

۱



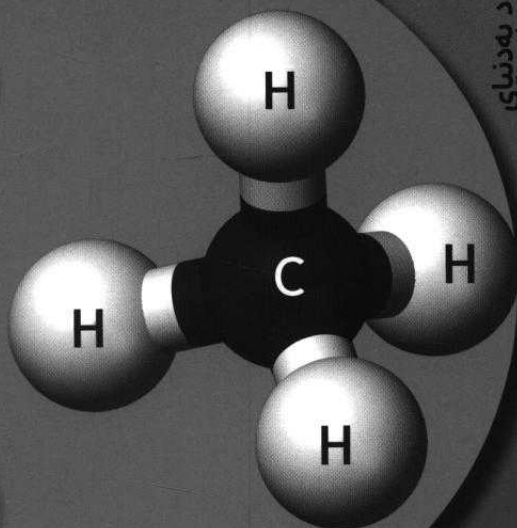
رفتار اتم‌ها

۲



به دنبال محیطی برای زندگی

۳



www.ketab.ir
۲۶ فیزیکی

۴



۵



۶



۷

